

بدون مرز

موزه یخ در آرزانتین

موزه‌ای متفاوت در آرزانتین به زودی کار خود را شروع می‌کند. به گزارش واحد مرکزی خبر در این موزه که در منطقه‌ای دورافتاده در پانتاگونیا پایه شده است و فعالیت خود را به صورت رسمی از ماه نوامبر شروع می‌کند، نمونه یخچال‌ها و قطعات یخی از نقاط مختلفی که معمولاً افراد نمی‌توانند از نزدیک از آن بازدید کنند، به نمایش گذاشته می‌شود و در کنار نمایش این موار، توضیحاتی درباره منشأ یخچال‌های طبیعی نیز در اختیار بازدیدکنندگان قرار داده می‌شود. این موزه که در نزدیکی یخچال پرتسو مورنو قرار دارد با هدف افزایش آگاهی عمومی از پیامدهای گرم شدن آب و هوای زمین بر گراز می‌شود و بازدیدکنندگان این فرصت را نیز به دست می‌آورند تا این یخچال را از نزدیک ببینند. دولت آرزانتین نیز در نظر دارد با تصویب قانونی در خصوص منع حفاری و اکتشاف معدن در کنار یخچال‌ها، از آنان حفاظت کند. پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۵۰ هزار نفر در سال از این موزه بازدید کنند.

خبر

قتل با انگیزه ناموسی

گروه حوادث: مردی که پس از ارتکاب جنایت، جنازه مقتول را به آتش کشیده بود پس از دستگیری انگیزه‌اش را از این قتل مسائل ناموسی عنوان کرد. روز ۳۰ تیرماه ماموران پلیس از طریق تماس تلفنی یک شهروند از کشف جسدی در اطراف روستای میزوج قزوین باخبر و پس از حضور در محل اعلام‌شده با جسد سوخته‌ای روبه‌رو شدند که در پتو پیچیده شده بود. ماموران ابتدا مقتول را که فردی ۲۷ساله و دارای ۱۴ قفء سابقه کثیری بود شناسایی کردند و در ادامه بررسی‌های خود دریافتند قربانی دو روز پیش از قتل به منزل شخصی که او هم سابقه‌دار است رفته بود. کارآگاهان وقتی برای دستگیری این مظنون اقدام کردند، فهمیدند او محل سکونتش را ترک کرده و به مکان نامعلومی گریخته است. به این ترتیب جست‌وجوها برای دستگیری این مرد ادامه یافت تا اینکه بالاخره او در محفیکاشان در شهرستان البرز به دام افتاد و به قتل اعتراف کرد. متهم در بازجویی‌ها گفت روز حادثه با قتل به برخی اختلافات و مسائل ناموسی تصمیم به قتل مقتول گرفته و ابتدا وی را با وسیله‌ای اهنی از ناحیه سر مجروح پس از بیهوشی او با استفاده از کمربند و حوله وی را خنک کرد سپس جسد را با خودرو به بیابان‌های اطراف می‌زوج بردم و برای اینکه شناسایی نشود آن را به آتش کشیدم بنا بر این گزارش متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

۱۴ هزار و ۴۰۰ سال حبس برای پدر شکنجه‌گر

گروه حوادث: دادگاه فیلیپین پدری را به اتهام تعرض به دختر نوجوانش به ۱۴ هزار و ۴۰۰ سال حبس محکوم کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، قربانی ۲۲ساله این جنایت که به ۱۳ سالگی توسط پدرش مورد تعرض قرار می‌گرفت در دادگاه ضمن شکایت از پدرش گفت: از زمانی که مادرم به قصد کار کردن در هنگ‌کنگ خانه را ترک کرد و سه فرزند خود را با پدرم در خانه تنها گذاشت، این اتفاقات آغاز شد.

دادگاه محلی در ابتدا این پدر بی‌رحم و متجاوز را در سال ۲۰۰۶ به دلیل ۳۶۰ تجاوز به مرگ محکوم کرده بود، اما دادگاه مانیل مجدداً به ازای هر بار تجاوز ۴۰۰ سال حبس برای این مرد در نظر گرفت و اکنون به ۱۴ هزار و ۴۰۰ سال حبس محکوم شده است. دختر بیچاره در نهایت تصمیم می‌گیرد رفتار بی‌شرمانه پدر خود را با خانواده مادرش در میان بگذارد و خود را از این وضعیت اسفناک نجات دهد که مادرش پس از شنیدن ماجرا به خانه باز می‌گردد و از همسر خود به پلیس شکایت می‌کند.

دستگیری رباینده کودک پاکستانی در سیرجان

گروه حوادث: یک کودک ربوده‌شده پاکستانی پس از دو سال در سیرجان آزاد شد. سیدمحمد محمود کارآموز فرمانده انتظامی سیرجان در این باره توضیح داد: «پس از اعلام اینترپل مبنی بر ربودنشدن یک کودک پاکستانی و انتقال او توسط آدم‌ربا به شهرستان سیرجان تحقیقات در این زمینه توسط ماموران پلیس آغاز شد. وی تصریح کرد: پس از یکسری اقدامات اطلاعاتی محل اختفای آدم‌ربا در شهرستان سیرجان شناسایی شد و پس از اخذ ادبیرا قضایی طی عملیاتی کودک ربوده‌شده آزاد و آدم‌ربا دستگیر شد. کارآموز گفت: در جریان تحقیقات فاش شد این دختربرخه ۹ساله که پس از جدایی از والدینش تحت سرپرستی مادرزنگش قرار گرفته بود، توسط پدرش ربوده شد و آدم‌ربا پس از متواری شدن از پاکستان تحت تعقیب اینترپل قرارگرفت تا اینکه پس از دو سال دستگیر شد.

یک شرور و دو نوجاه‌ش به آخر خط رسیدند
گروه حوادث: شرور سابقه‌داری که به خاطر اعمال مجرمانه گسترده تحت تعقیب قرار داشت سرانجام دستگیر شد. سرهنگ حسین کربلایی‌زاده فرمانده انتظامی شهر قدس با اعلام این خبر افزود: در پی دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اینکه یکی از ارادل و اوباش معروف و شاخص شهر قدس به نام «نادر» با همدستی چند نفر از نوجهمایش، با استفاده از سلاح گرم و سرد برای سربردن از محارمت ایجاد کرده و اقدام به تخریب اموال دولتی و ایجاد نزاع و درگیری دسته‌جمعی می‌کنند، رسیدگی موضوع در دستور کار ماموران پلیس اطلاعات و امنیت عمومی قرار گرفت. وی افزود: با توجه به اینکه متهم مکان مشخصی نداشت و مرتب مخفیگاه خود را تغییر می‌داد، تمامی یاتوق‌های وی تحت کنترل قرار گرفت و سرانجام او در عملیاتی بامدادی به همراه دو نوجانش سسوار بر خودرو پژو ۴۰۵ در حوالی میدان شهر قدس مشاهده شد و تحت تعقیب نامحسوس ماموران قرار گرفت. کربلایی‌زاده خاطرنشان کرد: ماموران در ادامه تعقیب و مراقبت، متهمان را محاصره کردند و دستور ایست به آنها دادند اما آنها توجهی نکرده و با افزایش سرعت خودرو، قصد فرار داشتند که ماموران با شلیک تیر هوایی، خودرو مورد نظر را متوقف کردند و در حالی که متهمان مسلح بودند، آنها را خلع‌سلاح و هر سه تن را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی شهر قدس تصریح کرد: «نادر» در بازجویی‌های ماموران پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شهر قدس، به شرارت‌های مختلف خود اعتراف کرده و با تهدید پرنده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شده‌اند.

گروه حوادث: سوءقصد‌ها سیاسی نیست. این جمله مشترک مسئولان قضایی و انتظامی در واکنش به قتل دو پزشک متخصص در تهران است اما یک طرف از تشابه دو سوءقصدی که به فاصله یک روز صورت گرفته سخن گفته و طرف دیگر هر گونه ارتباط بین آنها را تکذیب کرده و شایعه خوانده است.

شامگاه ۳۰ شهریورماه زمانی که دکتر عبدالرضا سودبخش متخصص بیماری‌های غفونی از مطب خود در بلوار کشاورز خارج شد، هدف گلوله موتورسواری ناشناس قرار گرفت و ساعتی بعد از انتقال به بیمارستان جان باخت. این جنایت با بازتاب‌های گسترده‌ای همراه شد و کار به آنجا رسید که مرزیه دستنچردی در نامه‌ای به اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی خواستار پیگیری موضوع شد اما هوشدارها تمام نشده و تحقیقات پلیسی به جایی نرسیده بود که حادثه‌ای دیگر رخ داد. این بار مکان میدان ۵۳ نارمک بود و هدف سوءقصد یک متخصص قلب و عروق؛ دکتر غلامرضا سربای. این پزشک شامگاه آخرین روز شهریور از مطب خود بیرون آمده بود

که همانند همکارش هدف گلوله یک تیرانداز موتورسواری قرار گرفت و او را به سرعت به بیمارستان امام حسین(ع) رساندند اما وی بعد از پنج عمل جراحی روز جمعه جانش را از دست داد. تکرار یک اتفاق به فاصله ۲۴ ساعت بر پیچیدگی‌های قتل دکتر سودبخش افزود و باعث شد بار دیگر سرهنگ عباسعلی محمدیان در این باره توضیحاتی بدهد. او به خبرنگاران گفت: «سوءقصد به دکتر غلامرضا سربایی هیچ ارتباطی با کشته شدن دکتر سودبخش که سه‌شنبه‌شب گذشته توسط افراد ناشناس به قتل رسید، ندارد و شایعات مبنی بر سریالی بودن قتل‌ها کذب است.» این واقعه باعث شد سکوت طولانی بازپرسان جنایی تهران شکسته شود. در حالی که ماه‌هاست مقامات قضایی مستقر در این دادسرا از هر گونه اظهارنظر و گفت‌وگو با رسانه‌ها خودداری می‌کنند و خبرنگاران نیز از حضور در این دادسرای حساس پایتخت منع شده‌اند، بالاخره نام محمد شهریاری رئیس شعبه هفتم دادسرای جنایی که مسوولیت رسیدگی به پرونده سوءقصد به دو پزشک متخصص را بر عهده دارد، روی خروجی ایسنا دیده شد. به نظر می‌رسد او با سرهنگ محمدیان چندان هم‌عقیده نیست و شباهت‌هایی را



گروه حوادث: تحقیقات پلیسی- قضایی از مردی که روی صورت عروس سابقش اسید پاشیده در حالی آغاز شده است که پزشکان امید چندانی به بهبودی وضعیت چشمان زن جوان ندارند. این زن برای درمان چشمانش و به دست آوردن بینیای خود از پزشکان درخواست کمک کرده است. به گزارش خبرنگار ما ۲۲ شهریور ماه سال جاری ماموران پلیس شهرضا از اسیدپاشی به صورت زنی ۲۸ساله به نام معصومه باخبر شدند و پدرشوهر سابق او را که عامل این حادثه بود، بازداشت کردند. در حالی که متهم تحت بازجویی قرار داشت پزشکان تلاش خود را برای نجات معصومه آغاز کردند اما این زن به شدت آسیب دیده بود. در چند روز گذشته وضعیت وی وخیم‌تر شد تا اینکه دو روز پیش خانواده وی در آخرین صحبت‌هایشان با پزشک معالج معصومه متوجه شدند وضعیت دو چشم او وخیم و احتمال اینکه وی در این باره هشیگی

احتمال اینکه بتوان وی را از نابینایی هشیگی نجات داد، بسیار کم است. وی در مورد داروهای معصومه گفت: قطره‌هایی که پزشکان تجویز کرده‌اند هر کدام برای چند روز است و هر قطره را ۱۰۰ هزار تومان می‌خریم. با اینکه تمام توان جسمی، مالی و روحی خودمان را به کار گرفته‌ایم تا به معصومه کمک کنیم متأسفانه تاکنون در روند درمان او پیشرفتی حاصل نشده است.

این زن اکنون در خانه بستری است و توان صحبت کردن ندارد و جایی را نمی‌بیند. این در حالی است که او یک پسر چهارساله دارد که به خاطر شرایط مادرش روحیه خود را از دست داده و تحت فشار است.



در همین حال معصومه از پدرشوهر سابقش شکایت کرده و پرونده وی در دادسرای شهرضا در حال رسیدگی است. متهم به اسیدپاشی به صورت معصومه نیز اعتراف کرده و گفته است: معصومه بر جدایی از پسرم اصرار کرد و در نهایت طلاق گرفت و این کارش باعث شد هم من از نوام دور شوم و هم اینکه پسرم به نابودی کشیده شود. پسرم بعد از طلاق به شدت متناد شد و زندگی‌اش از دست رفت. من چند بار از معصومه خواستم تا دست از لجابت بردارد و به خانمش برگردد اما او به حرفم توجهی نکرد. من او را عامل بدبختی و اعتیاد پسرم می‌دانستم و به همین خاطر هم از او انتقام گرفتم.

پدرشوهر سابق معصومه ۲۲ شهریورماه بعد از اینکه از

عملیات پلیس برای انهدام شبکه زورگیران خشن

خود از برادرش داوود نیز به عنوان یکی از همدستانش یاد کرده و تاکید کرده بود در چندین فقره از زورگیری‌ها از پیکان وی استفاده کرده بودند. در شرایطی که داوود با جابه‌جایی‌های بی‌درپی هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بود، کارآگاهان به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد وی در یکی از روستاهای اطراف شهرستان شهریار پنهان شده است. در چنین



دکتر سربای نیز در میان جامعه پزشکی و مجلسیان واکنش‌های زیادی را موجب شد. حسنعلی شهریاری عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با محکوم کردن سوءقصد به دو پزشک از بررسی این موضوع در کمیسیون متبوع خود خبر داد و از فضاسازی‌ها و تبلیغات علیه جامعه پزشکی در برخی رسانه‌ها انتقاد کرد. او گفت: این قبیل حرکت‌ها به ضرر مردم تمام می‌شود؛ چراکه پزشکی در برخی رسانه‌ها انتقاد کرد. او گفت: این اگر جامعه پزشکی احساس امنیت نکند، نمی‌تواند وظیفه واقعی خود را انجام دهد.

مرزیه وحیدنستجردی هم درباره پیگیری‌های وزارت بهداشت گفت: درخواست رسمی خود را به وزیر اطلاعات و نیروی انتظامی ارائه کرده و خواستار پیگیری این موضوع شدام.

سیدشهاب‌الدین صدر رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور نیز گفت: هنگامی که حادثه کشته شدن دکتر سودبخش رخ داد، موضوع به وزیر اطلاعات و فرمانده نیروی انتظامی منعکس شد و خواستار بررسی حادثه شدیم و پس از وقوع حادثه دوم نیز مجدداً خواستار پیگیری موضوع شدیم. در بررسی‌های دستگاه‌های امنیتی و انتظامی ممکن است مسائلی مشخص شود که ما منتظر نتایج آن هستیم. صدر در عین حال عنوان کرد: دکتر سربای چند روزی بود که مورد تهدید قرار گرفته بود. وی افزود: نقش رسانه‌ها و چگونگی اطلاع‌رسانی در رابطه با این نوع موارد بسیار مهم است. روشنگری باید به نحوی باشد که باعث توجه لازم به حساسیت بخش جامعه پزشکی در بین مردم شود، چرا که اگر مراقبت‌های لازم در رابطه با اطلاع‌رسانی صورت نگیرد، ممکن است امنیت شغلی همکاران ما تهدید شود که این موضوع می‌تواند، آسیب‌هایی را در جامعه در پی داشته باشد.

صدر اضافه کرد: دستگاه قضایی و امنیتی کشور باید مراقبت‌های بیشتری را در رابطه با مطب‌ها و مراکز پزشکی داشته باشند. همچنین رسانه‌ها در انعکاس مطالب دقت بیشتری کنند تا جایگاه و قداست پزشکی حفظ شود و اگر مسائل شخصی در رابطه با این موضوعات وجود دارد، در مسیر خود پیگیری شود. بنا بر این گزارش دکتر سربای ظهر روز جمعه به‌رغم تلاش پزشکان جان باخت و مسیر رسیدگی به پرونده او تغییر کرد. هنوز پلیس مظنونی را در خصوص این حادثه و قتل دکتر سودبخش دستگیر نکرده است.

حادثه‌ها

جزییات حمله به دومین پرستار در بیمارستان یاسوج

دومین پرستاری که چند روز پیش با حمله همراه یک بیمار در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج از ناحیه چشم مجروح شده بود، جزییات این حادثه را تشریح کرد. «صالح رخشان» مسوول بخش اورژانس بیمارستان شهید بهشتی یاسوج که در پی حمله همراه یک بیمار مجروح شده‌است، به اینسان گفت: «روز چهارشنبه هفته گذشته تعدادی از همراهان یک بیمار با یکی از پرستاران خانم که از آنها درخواست کرده بود اتاق بیمار را ترک کنند، درگیر شدند.» وی ادامه داد: «زمانی که مشاهده کردم یکی از همراهان به وسیله یک پوشه فلزی قصد دارد به پرستار حمله کند، مانع کتک خوردن او شدم که در همین لحظه یکی از همراهان بیمار که زنی حدود ۳۵ساله بود، پوشه فلزی را به چشم چپم پرتاب کرد.» این پرستار حادثه‌دیده با اشاره به اینکه بر اثر این حادثه قسمت‌غذامی دچار خونریزی و میزان دید آن کم شده، گفت: زمانی که این حادثه رخ داد، ماموران پلیس در سر صحنه حاضر بودند. آنها این زن را دستگیر کردند، اما باخبر شدم وی با قید ضمانت آزاد شده است. مسوول بخش اورژانس بیمارستان شهید بهشتی یاسوج با انتقاد از سیستم امنیتی و حراستی بیمارستان شهید بهشتی، ادامه داد: در حال حاضر شکایت خود را برای رسیدگی به این موضوع به مراجع قضایی ارائه کرده‌ام. به گفته رخشان، در حال حاضر به دلیل شکستن استخوان پشت چشم و ورم ایجاد شده در این ناحیه، امکان عمل جراحی وجود ندارد، اما پزشکان اعلام کرده‌اند او هر روز دید چشم‌هایش را همچیون گذشته به دست می‌آورد. بنا بر این گزارش پیش از این نیز یک پرستار دیگر در همین بیمارستان توسط همراه یک بیمار مضروب و چشم چپش نابینا شده بود.

خواستگار قلابی، درد خانه مرد ثروتمند

دختر یک خانواده ثروتمند، به سرقت میلیونی از خانه مرد متمول انجامید. به گزارش خبرنگار ما، روز ۳۱ تیرماه مردی که‌خانهاش هدف دستبرد سارقان قرار گرفته بود به کالتری قلهک رفت و از پلیس کمک خواست. او گفت: دیشب همراه همسر و دخترم به مراسم عروسی یکی از بستگان رفتم اما وقتی به خانام واقع در خیابان اختیاریه برگشتم، فهمیدم تعدادی از وسایل خانه جابه‌جا شده است. با بررسی بیشتر متوجه شدم مبلغ پنج میلیون تومان پول نقد و جواهراتی به ارزش یک میلیون تومان از خانام دزدیده شده است. با ثبت اظهارات این مرد، پرونده سرقت از خانهاش به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای ناحیه ۳، با پایگاه‌سوم پلیس آگاهی فرستاده شد تا تیم مبارزه با سرقت در این باره تحقیق کنند. بررسی‌های اولیه ماموران حاکی از آن بود که سارقان نسبت به خانه طعمه‌شان آشنایی کامل داشته‌اند و بدون آنکه در ورودی را تخریب کنند با در اختیار داشتن کلید و بدون دردسر وارد محل سرقت شده‌اند. چند روز بعد شادی مجابری را بازگو کرد که کلید این معمای پلیسی را در اختیار ماموران گذاشت. وی گفت چندی قبل جوان ۲۳ساله‌ای به نام فرهاد نژد من آمد و از دخترم خواستگاری کرد. قرار بود او نزد پدرش که در خارج از کشور است برود و چند روز بعد به طور رسمی از دخترم خواستگاری کند. دختر مالیاخته به نام شیرین نیز به پلیس گفت: چندی قبل در یکی از مناطق شمال شهر سوار خودروام بودم که ناگهان دچار نقص فنی شد چون من آشنایی با مسائل فنی خودرو نداشتم کنار خودروام ایستاده بودم تا اینکه ناگهان جوانی به کمکم آمد و مشکل خودروام را حل کردید. من ماجرا زمینه آشنایی من با فرهاد را فراهم کرد و او به این بهانه که قصد دارد برای خواستگاری از من نزد پدرم برود آدرس محل کار او را از من گرفت. دختر مالیاخته که چند عکس از فرهاد داشت آنها را در اختیار ماموران گذاشت و به استفاده از این سرخ تحقیق درباره مظنون پرونده ادامه یافت. تجسس‌ها نشان می‌داد فرهاد در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده و ادعایش درباره تحصیل در رشته مهندسی عکس از فرهاد کذب است. از طرفی مشخص شد پدر او نه تنها به اروپا زندگی نمی‌کند بلکه محل‌اصل پیش در این ناحیه راندگی در جاده شمال فوت شده است. همچنین بررسی سوابق فرهاد فاش کرد او دارای چندین فقره سابقه کثیری است و پیش از این چندین مرتبه توسط پلیس دستگیر و زندانی شده است. به دست آمدن این شواهد پلیس تلاش کرد را در دست داشتن تومان پیش برده این ماجرا توضیح کرد و باعث صدور حکم دستگیری وی شد. ماموران با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی خود به سرخ‌نهایی درباره مخفیگاه فرهاد دست یافتند. شواهد موجود نشان می‌داد او به تازگی در خانه‌ای واقع در خیابان خرم تبریزی پنهان شده است. این اطلاعات کافی بود تا ماموران پایگاه سوم در عملیاتی ضربتی او را دستگیر کنند. هنگامی که فرهاد تحت بازجویی قرار گرفت به ارتکاب سرقت اقرار کرد و گفت: بعد از آنکه توانستم با رفت و آمد به خانه پدر شیرین اطمینان آنها را جلب کنم، تصمیم گرفتم در کوتاه‌ترین مدت ثمنشان را برای کلاهبرداری با سرقت از این خانواده عملی کنم. در چنین شرایطی شیرین با من تماس گرفت و گفت قرار است چند روز دیگر همراه خانواده‌اش در مراسم عروسی یکی از بستگان شرکت کند. من هم موقعیت را بهترین فرصت برای سرقت دیدم و به شیرین گفتم من هم قرار این چند روز به خارج از کشور بروم تا پدرم را برای خواستگاری به کشور بیاورم. سرانجام روز سرقت از چند ساعت قبل خانه پدر شیرین را تحت نظر گرفتم و وقتی آنها از خانه خارج شدند با استفاده از کلیدهای یدکی که تهیه کرده بودم وارد شدم و مبلغ پنج میلیون تومان پول نقد و مقادیری طلا از آنها سرقت کردم. بنابر این گزارش هم‌اکنون متهم با صدور قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

مادر بزرگ امریکایی
سه عضو خانواده خود را کشت
گروه حوادث: تیراندازی یک زن مسن در خانه‌ای مسکونی در «سیاتل»، چهار کشته بر جای گذاشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جسد خود این زن ۶۰ساله که گفته می‌شودملیت آسیایی دارد، در میان کشته‌شدگان پیدا شده است. به گفته سخنگوی پلیس سیاتل در شمال غرب آمریکا، سایر قربانیان شامل دو دختر نوجوان و یک مرد حدوداً ۳۰ساله هستند. یک زن ۳۰ساله که عضو دیگر این خانواده و دختر قاتل است، با وجود شلیک گلوله از مهلکه نجات یافت. او گفت مادر ناگهان دیوانه شد و به طرف همه شلیک کرد. شاهدان می‌گویند افراد این خانواده به زبان آسیایی صحبت می‌کردند و ۱۱ نفر در این خانه ساکن بودند.